

لله الحمد امروز حقیقه معانی ظاهر و باوراد علم و حکمت ربّانی مزین ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۵۵۲

حضرت	اسم	الله	م	علیه	منکّل	بهاء	ابهاه
۲۹ جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۲							

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

لله الحمد امروز حقیقه معانی ظاهر و باوراد علم و حکمت ربّانی مزین کوثر بیان و تسنیم حیوان در او جاری نیکوست حال نفسیکه باو راه یافت و محروم کسیکه از او نصیبی برنداشت نسیمش محی جان و مفرح روان بی لفظ مطالب خفیه لطیفه القا مینماید بی کنز و زخارف غنای ابدی عطا میفرماید پرده حیرت را باصبع قدرت شق نماید و آفتاب حقیقت را از افق عنایت بنماید نعیماً للفائزین و نعیماً للعارفين و حسرۃ للغافلين و للمعرضین مفتاح آن محبة الله بوده و هست و آن ذکر و ثنای مقصود عالمیانست که بیان ملمّح و ممزوج است حبّاً فرخنده یومی و فرخنده ساعتی و فرخنده حینی که دستخطّ عالی که بمنزله مفتاحست و عرف محبت محبوب عالم از او متضوّع متواتر رسیده و میرسد فی الحقیقه اوست که قلب را بفرح جدید تازه مینماید و آتش شوق و اشتیاق را مشتعل تر حقّ شاهد و گواه که در لیالی و ایّام از خلق مأیوس و بخیالت مأنوس و بحقّ متوسّل و بر او متوکّل که ناگاه باب مفتوح و امل حاصل بساط حزن مطوی و بساط فرح مبسوط و قبل آن کلّ یوم قلم الم فراق تحریر مینمود و مداد ذکر ایّام و داد و اتّحاد مینوشت گاهی طبع صنعت موسیقار آرزو مینمود و هنگامی وجود چون سمندر خود را در نار مشاهده مینمود ایجاز از اطناب محبوب تر که هم شما را از ذکر و ثنای محبوب عالمیان باز نمیدارد و هم مطلب مشروح و واضح معلوم آنحضرت میشود از مطوّل گذشتیم مختصر آنکه بی شما فرح کامل دست نداد و غیبت شما مجالس را از طراز اول محروم داشت خادم جالس بغتۃ از افق بیت دستخطّ آنحضرت بمثابه نجم سحری طالع بعد از اخذ و قرائت و اطلاع تلقاء وجه مالک اسماء بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله و جلّت الطافه

هو الناظر من افقه الأعلی



ORIGINAL

یا اسمی مرّة بعد مرّة ترا ذکر نمودیم کأس حیوان را از ایادی عنایت محبوب امکان نوشیدی ذکر ت لازال مذکور و بلایت لدی العرش مشهود باستقامتت افق استقامت لائح و منیر طوبی لک و لمن احبک و ذکرک و سمع قولک فی امر الله رب العالمین اگر چندی توجّه بوطن و ضوای آن از ارض یاء و الف و راء نمائید لدی الوجه محبوبست چه که شاید گمراهی راه یابد و مقصود را بشناسد ولکن باید در جمیع احوال بافی حکمت ناظر باشید آنچه مغیر آنست جایز نبوده و نیست کذلک یا امرک المظلوم و یدکرک فی هذا المقام الرفیع دوستان الهی را تکبیر برسان بگو ایّا کم ایّا کم ان تمنعکم وضوء الملحدین عن الله رب العالمین آنقوم تازه بر قدم اهل فرقان مشی مینمایند لعمر الله یوم الله را ادراک نموده اند چه که لا یدکر فیہ الا الله وحده جمیع کتب بقولش و قبولش معلّق و جمیع اعمال باذنش منوط در قرون و اعصار ناس بیچاره را باوهم تربیت نمودند مع ذلک آن فرقه غافله خود را اعلی و افضل از کل میدانستند غافل از آنکه پست ترین عباد بوده و هستند نفسی را که عند ذکرش به عجل الله فرجه ناطق بودند بظلم تمام شهید نمودند نتیجه عجل الله فی سقرهم بخشید بگو ای دوستان حقّ لعمر الله آن نفوس غافلند آگاه نبوده و نیستند از همه گذشته از گفته های قبل چه حاصل بردند که از بعد ببرند افّ لهم وللذین اتبعوهم من دون بینة من الله العلیم الحکیم لازم است که مفتریات فرقه شیعه و کذبهای ایشان قدری ذکر شود یا اسمی ملأ اعلی نوحه مینمایند و اهل جنّت علیا محزون چه که با کشف حجاب غلیظه و سبحات عظیمه تازه بقدم اول راجع شده اند نوحوا یا قوم نوحوا انصاف بمثابة عنقا و صدق مانند عدل غیر مشهود ولکن ربّک هو القویّ الغالب القدیر اهل بها را عالم و آنچه در اوست منع نماید امرش اظهر از شمس و ندایش در کلّ حین مرتفع طوبی لمن نبذ العالم مقبلاً الى الله مالک القدم الذی فی بحبوحة البلاء نطق بأعلى النداء و دعا الكل الى افقه المنیر انتهى نمیدانم چه شده که تا حین اهل بیان در اعمال فرقه قبل و اقوال ایشان تفکر نموده اند نفسیکه خود را بهترین عالم میدانستند یعنی حزب شیعه ارتکاب نمودند آنچه را که کلّ اشیاء نوحه نمود یکنفس تفکر نمود که حاصل آن حزب و اعمال و اقوالشان چه بوده لعمر مقصودنا هبّا منبثّاً تازه مشرکین اهل بیان یک همچو دستگاهی مبسوط نموده اند این بی بصرها در آتی تفکر ننموده و نمینمایند از اول دنیا تا حین کدام امر اعظم از این امر و کدام ظهور اظهر از این ظهور بوده هر نفسی بانکار برخیزد بچه اقرار خواهد نمود امروز غیر الله مذکور نبوده و نیست طوبی از برای نفسیکه عرف این یوم را یافته و مقصود را شناخته این فانی از حقّ باقی سائل و آمل آذان را لایق و ابصار را قابل نماید از برای اصغاء ندا و مشاهده افق اعلی اینکه مرقوم داشتند که حضرت افنان یاء علیه منکلّ بهاء ابهه صورت تلغراف ارسال فرمودند مقصود از آن توجّه آنحضرت بشرط مقصود بوده ولکن دستخط بعد آنحضرت مرقوم داشته بودند که حضرت افنان علیه من کلّ بهاء ابهه و جناب امین علیه بهاء الله خواهش نموده اند بآنجهات توجّه نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس اینکلمه علیا از افق اعلی اشراق فرمود قوله جلّ و عزّ حال که حضرات طالب شده اند اجابت افنان محبوبست لدی الوجه و اگر در ارض یاء و اطراف آن چند روزی سیر نمایند محبوبست انتی اهل ولایت و اقربا هم از ملاقات آنحضرت البتّه بفرح تازه و سرور جدید فائز میشوند و اینکه مرقوم داشتند که دوستان الهی طراً در هر ارض استدعای ذکر نموده اند اینفقره بشرف اصغاء فائز قوله جلّ جلاله یا اسمی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی هر نفسی اراده نموده اسم آن در ساحت اقدس مذکور آید لعمری ذکرش مذکور و از قلم اعلی مسطور بشر من قبلی کلّ من اراد عنایتی و توجّهی قل انه یسمع و یری و هو السّميع المجیب هر یک را بعنایت حقّ بشارت دهید و بر استقامت و ما یرتفع به شأن الانسان وصیّت نمائید طوبی لهم و لهم حسن مآب انتی

و اینکه مرقوم داشتند از جمله نفوس مطمئنه سه نفس که از کسبه و ضعفا هستند وجهی از بابت حقوق الله داده اند و جزئی است ولی از صاحبانش با ضعف حال بسیار پسندیده و محبوبست اینراتب در ساحت من لا یخرج عن قبضته من شیء عرض شد هذا ما ماج به بحر البیان فی الامکان قوله تبارک و تعالی

هو الناطق بالحقّ

یا عباد الرحمن قد ذکرکم اسمی ذکرناکم بلوح لا تعادله الواح العالم و لا ما عند الأمم یشهد بذلك ربکم المهیمن القیوم قد فزتم بعرفان المظلوم الذی جعله المعتدون مسجوناً بما دعا الكلّ الی الله ربّ ما کان و ما یکون ان اشهدوا بما شهد الله قبل خلق الأرض و السماء انه لا اله الا انا الحقّ علام الغیوب من فاز بعرفانی انه من الملائه الا علی عند الله فاطر السماء و مالک الأسماء و الذی منع انه من الغافلین فی لوح محفوظ قد سمع الله ندائکم و رأى اقبالکم و انزل لکم ما یکون معکم فیکلّ عالم من عوالم ربکم العزیز الودود ایاکم ان تمنعکم ضوضاء الناعقین عن الله ربّ العالمین ان احفظوا ما اوتیتهم بهذا الاسم المهیمن علی من فی السموات و الأرضین انتهى لله الحمد بعنایت حقّ جلّ جلاله فائز گشتند و آنچه هم داده اند بطراز قبول فائز و ورقه وصول هم ارسال میشود اگر بشود آنوجه را در ارض خاء بجانب ملا علی بجستانی علیه بهاء الله برسانند محبوبست که نصف را خود ایشان تصرف نمایند و نصف دیگر را بجانب ابن شهید علیه بهاء الله برسانند

اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمد جعفر و جناب آقا میرزا مهدی علیهما بهاء الله را فرمودند تلقاء عرش بشرف اصغا فائز و عریضه جناب آقا میرزا محمد جعفر که آنحضرت نوشته بودند آنها لای العرش عرض شد و دو لوح امنع اقدس از سماء مشیت مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاءالله بآن فائز شوند و از بحر معانی آن بیاشامند و همچنین ذکر مخدرات قانتات مشتعلات علیا جناب عمه و دو صبیّه ایشان علیهنّ بهاء الله و عنایاته را فرموده بودند و مرقوم داشتند که از اول نفوس شمرده میشوند بعد از عرض مراتب در ساحت امنع اقدس این آیات مشرقات از افق فضل لائح قوله جلّ جلاله

بسمی الذاکر البصیر

یا اسمی علیک بهائی و رحمتی لعمر الله قد نطقت بالحقّ عمه و خدیجه در اول ایام بایمان فائز از کوثر حب آشامیدند و از فرات ایقان قسمت عظیم بردند لازال نفحات محبت رحمن از ایشان متضوّع و بقدر مقدور در خدمت امر و اولیائش جهد بلیغ مبذول داشته اند و در سبیل الهی شنیدند و دیدند آنچه را که سبب حزن قلوب مقرّین بوده طوبی از برای ایشان لعمری لا یعادل بما قدرّ لهّنّ ما فی الأرض جمیعاً لله الحمد باقبال و ایقان و توجه و قول بلی فائز گشتند شهادت الهی در باره ایشان کافی و باقی انه لا یضیع اجر المحسنین و المحسنات بشرهنّ من قبل و ذگرهنّ من لدی المظلوم البهّاء المشرق من افق سماء بیانی علیهنّ و علی ابنائها الذین اعترفوا بما نطق به لسان العظمة انه لا اله الا انا المهیمن القیوم انتهى ذکر ایشان لازال در ساحت اقدس بوده و نازل شد از برای ایشان آنچه که بدوام اسماء باقی و پاینده است ان الخادم یسأل الله ربّه بأن یوقّهنّ و یؤیّدهنّ و یقرّبنّ الیه انه هو المقتدر علی ما یشاء و هو الغفور الکریم

و همچنین دو لوح امنع اقدس ابهی مخصوص جناب آقا محمد علی و آقا محمد حسین علیهما بهاء الله نازل و ارسال شد انشاءالله بآن فائز شوند چندی قبل عرایض ایشان بساحت اقدس فائز ان ربنا الرحمن هو المؤید المقتدر العلیم الحکیم

اینکه ذکر جناب آقا میرزا عبدالرحیم از اهل قصر علیه بهاء الله را فرموده بودند و همچنین عدد واو از بابت حقوق که جناب آقا زین العابدین از اهل مازگان علیه بهاء الله بتوسط ایشان ارسال داشته‌اند اینرا تب تلقاء وجه عرض شد هذا ما نزل لجناب میر علیه بهاء الله قوله عزّ بیانه

انا المبین الحکیم

یا میر امر عظیم است و یوم عظیم بعضی از اهل بیان تا حین ادراک یوم را نموده‌اند باوهامات قبل متمسکند بگوای قوم امروز یوم الله است لا یدکر فیه الا هو اگر نفسی عبادت اولین و آخرین مؤید شود و در اقلّ من آن بدونش ناظر او از اهل توحید نبوده و نیست و جمیع اعمالش هباءً منبثاً بوده و خواهد بود آیا اقوال اهل فرقان یعنی حزب شیعه را نشنیده‌اند و توهمات قبل را نسنجیده‌اند مع ذلک چگونه در تجدید ظنون و اوهام مشغول شده‌اند الا انهم فی خسران مبین اگرچه ایام ظهور در یکمقام ایام الله بوده و لکن این یوم را جمیع انبیا و مرسلین طالب لقایش بوده‌اند در جمیع کتب و صحف و زیر بطراز تخصیص مزین است قل اتقوا الله یا قوم و لا تكونوا من المشرکین کن قائماً علی الأمر و ناطقاً بثناء مولاک و مستقیماً علی شأن تضطرب به هیاکل الظنون و الاوهام کذلک یا مرک من عنده امّ الکتاب

و نذکر الخلیل الذی فاز بالذکر و البیان من لدی الرحمن نسأل الله بأن یوفقه علی ما یرتفع به امره المبرم الحکیم کبر من قبل علی وجهه و علی اولیائی هناك انا نوصیهم بالاستقامه الکبری و بما ینبغی لهذا الیوم العزیز البدیع قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک بهذا الذکر المبین قد فزت بذکر ربّک مرّة بعد مرّة هذا من فضله العظیم البهاء علیکم من لدی الله ربّ العالمین

و نذکر زین العابدین الذی عمل بما امر به فی کتاب الله طوبی لعبد شهد بما شهد به المقصود و عمل فی سبیله ما ارتفع به ذکره بین عبادہ المخلصین انتهى

صد هزار شکر مقصود عالم را هر هنگام ذکر یکی از اولیا در ساحتش مذکور بانوار عنایت مزین و بطراز فضل مطرّز مخصوص نفوسیکه آنحضرت ذکر نموده‌اند هر یک بآیات بدیعه منیعه باقیه دائمه فائز گشته‌اند طوبی لهم و نعیماً لهم و کلّ خیر لهم اینعبد فانی از کل رجا مینماید در احیان ذکر و ثنا فراموشش ننماید و از برایش تأیید بطلبند بر خدمت این امر عزیز عظیم

اینکه مرقوم داشتند شبی از شبها در بیت جناب آقا سید محمد باقر علیه بهاء الله با دوستان الهی معاشر و بذکر محبوب عالمیان مشغول اینفقره در ساحت امنع اقدس بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

بسمی الذی به ماج البحر و هاج العرف

طوبی لذی لسان نطق بثناء مولا و لذی شتم وجد عرف قیصه المنیر و لذی اذن سمع ندائه الأحلی و لذی بصر فاز بمنظره الکَریم یا سید یا محمد قبل باقر قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک لتشکر ربّک الغفور الکَریم از اعظم اعمال امروز استقامت است چه که ناس از قبل باوهام تربیت شده‌اند طوبی از برای نفسیکه اوهامات و گفتارهای قبل را ریخت و بافق یقین وحده ناظر و متوجّه نفوسیکه از آگاهی محرومند باقوال اهل فرقان تمسک نموده‌اند و در اضلال خلق قیام

کرده‌اند و این وعده‌های حقّ جلّ جلاله بوده و در کتب بآنچه ظاهر شده و بشود اخبار فرموده تمسک بجبل عنایة ربّک و تشبّث بذیله المنیر طوبی لیتک بما ارتفع فیه ذکری و حضر فیه اسمی و احبّائی ذکرهم من عندی و کبرّ علی وجوههم من قبل و بشرهم بعنایتی و رحمّی نسأل الله بأنّ يؤیّدهم علی خدمة امره و ينزل علیهم برکة من عنده و یسقیهم کوثر الاستقامة بأیادی عطائه انّه هو المقتدر المهیمن القیوم انتهى

اینکه در باره پریشانی احباب مرقوم داشتند خیر عالم و برکت عالم و قدرت و قوّه عالم کل بایشان متوجّه و از ایشان محسوب چه مقدار از اصحاب در زمان خاتم انبیا روح ما سواه فداه قوت شب نداشتند که بصبر متمسک و بطراز اضطبار مزین الی ان نزل لهم من سمآء الفضل ما عجزت عن احصائه المحصون عنقریب مشاهده مینماید آنچه در کتاب نازل ثروت عالم و خیر آن از جمیع جهات توجّه مینماید حال آنچه لازم است اتّحاد و اتّفاق و حکمت و تبلیغ امر بقسمیکه سبب ضوضا نشود این بر عباد بوده و هست و مابقی با حقّ جلّ جلاله است مع مصروف این ارض که آنحضرت مطلقند اگر از حقوق چیزی خبرش برسد یا وارد شود داده شده و میشود فرمودند آنچه اسمی در این باب نوشته صحیح است بلکه رخنه‌های عظیمه ظاهر میشود چنانچه شده در باره محبوی جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله و امانت الله مرقوم داشتند از این خبر فرح لایحصى ظاهر لله الحمد وله الشکر و الثناء وله القدرة و القوّة و العطاء ولكن حسب الأمر حال باید محلّ مختصری بدون اسباب معین شود و الا در خطر است غافلین بسیار شقی مشاهده میشوند اگر مطلع شوند لعلّ بعمل قبل قیام نمایند باید در اوّل امر عاقبت آنرا مشاهده نمود باید محلّ بقسمی اخذ شود که از برای نفسی مجال ادّعا نماند

و همچنین مرقوم داشته بودند شبی از شبها در بیت جناب آقا محمد علی فح علیه بهاء الله تشریف داشتند مع دوستان حقّ علیهم بهاء الله اینفقره هم بتمامه امام وجه عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربنا مالک المآب قوله جلّ و عزّ

بسمی الذی یسمع و یری

یا محمد علی در سنین متوالیات بذکر مالک اسماء و صفات فائز شدی از کأس وصال نوشیدی و از بحر لقا آشامیدی شنیدی آنچه را که در کتب الهی مذکور و دیدی آنچه را که در او مسطور طوبی لک و لابنک الذی فاز بألواح ربّه الکریم ذکرتو و ابناء در کتاب الهی مخلص از حقّ میطلبیم ترا مؤیّد فرماید بر حفظ آنچه عطا فرموده نشد آنک هاجرت و حضرت و سمعت و رأیت ان افرح بعنایة ربّک و کن من الرّاسخین و نذکر الحکیم اخ الحکیم الذی فاز بلقائی و وجد عرف ظهوری البدیع یا آقا خان ان استمع نداء ربّک الرّحمن من سدرة الانسان علی هذا الطور المرتفع علی اشرف البقاع انّه لا اله الا هو العزیز الوهاب قد ذکر ذکرک لدی المظلوم و نزل لک لوح لاح من افقه نجم عنایة ربّک مالک الرقاب طوبی لک بما اقبلت الی مشرق الظهور و سمعت نداء مکلم الطور الذی کان موعوداً فی الزبر و الألواح نسأل الله بأنّ يؤیّدک و یوفّقک و یکتب لک من قلبه الأعلى خیر الآخرة و الأولى انّه هو المقتدر علی ما یشاء باسمه الذی سخر من فی الأرضین و السموات سیفنی ما تراه الیوم و یتقی ما قدر من لدی الله ربّ الأرباب انا نوصیک بحفظ ما اوتیت و بالاستقامة الّتی جعلها الله من افضل الأعمال انتهى امواج دریای فضل کل را احاطه نمود و انوار آفتاب عنایت بر کل تجلّی فرمود اینفانی از حقّ سائل که جمیع را بما اراد آگاه فرماید چه اگر آگاه شوند کل بر خدمتش قیام نمایند الحمد لله جناب مذکور و مذکور یعنی جناب آقا محمد علی و جناب آقا خان علیهما بهاء الله الرّحمن از کأس لقاء حضرت مقصود آشامیدند و به ما هو الموعود فی الکتب فائز گشتند از حقّ تأیید میطلبیم ایشانرا مؤیّد فرماید بر استقامت که از افضل

اعمال مذکور و خدمت هریک تکبیر و سلام میرسانم و همچنین خدمت ابناء جناب آقا محمد علی علیهم بهاء الله ابن اکبر و سایرین تکبیر و سلام میرسانم لله الحمد لدی الوجه مذکورند و بعنایت فائز له الحمد فیکل الأحوال از حق سائل و آمل که باب فضل بگشاید و ید عطا دست گیرد آنه علی کلشیء قدیر و اینکه در عسر امور ایشان مرقوم داشتند فرمودند بهر نحو مصلحت دانند عمل نمایند چه از بابت حقوق اگر وجهی برسد و چه از سبیل اخری البتّه در این فقره توجه نمایند چون اراده الهی تعلق گرفته البتّه فرج میرسد فی قبضته زمام الامور و هو المقتدر القدیر انتهى

و اینکه در باره مخدّره هدهد علیها بهاء الله مرقوم فرموده بودند این ایام خبر وجهی رسید مبلغ بیست تومان امر صادر بایشان برسد و مابقی ببعضی دیگر اگر باز خبری برسد حواله میشود

اینکه در باره جناب آقا محمد حسین ل ط علیه بهاء الله مرقوم داشتند در پیشگاه حضور مالک ظهور عرض شد هذا ما نطق به لسان مالک الأسماء فی سجن عکاء قوله جلّ جلاله یا اسمی علیک بهائی حاء و سین علیه بهائی از اول امر بافق اعلی توجه نمود و در سنین معدودات بذکر و ثنا و خدمت امر موفق شد از حق میطلبیم او را بر حفظ این مقام مؤید فرماید اوست بر هر شیء قادر و توانا انشاء الله مؤید شود بر عملی که از سید اعمال لدی الله مذکور است و بدوام ملک و ملکوت باقی و پابنده یا اسمی بشّره بعنایتی قد اشرفت له شمس الاذن من افق مشیة ربّه الکریم له ان يتوجه بتوجه تتوجه به الموجودات الی شطر القرب و اللقّاء المقام الذی فیهِ ینطق مکلم الطور الملک لله ربّ الأرباب انتهى طوبی از برای ایشان چه که فائز شدند بآنچه طلب نمودند و لکن حسب الامر باید بحکمت ناظر باشند و بمقتضیات آن اگر موافق شد نعم المراد والا الصبر اولی

اینکه ذکر ضیافت علیا مخدّره امّ حرم علیها بهاء الله را مرقوم داشتند و همچنین ذکر جناب وزیر و ابن ایشان و احوال ایشان علیهم عنایة الله فرمودند در مقررّ کان الله و لم یکن معه من شیء بشرف اصغا فائز هذا ما نطق به لسان ربنا الرحمن فی ملکوت البیان قوله عزّ و جلّ یا اسمی جناب محمد را از قبل ذکر نمودیم ذکریکه عرفش پابنده و باقی است از حق میطلبیم او را مؤید فرماید بر آنچه سزاوار ایام اوست و موفق دارد بر عمل بآنچه در کتاب نازل انا نسلم من هذا المقام علیه و علی اخیه و ابنه کل را از قبل مظلوم سلام برسان لیجذبهم السلام الی اعلی المقام و یقرّبهم الی الله مولی الأنام دنیا فانی و اسبابش غیر باقی از حق میطلبیم منتسبین را بنسبت حقیقی فائز فرماید و بصراط مستقیم راه نماید الحمد لله بذکر فائز گشتند و از قلم بیان اسمشان جاری اینست نعمت حقیقی و مائده سماء البهاء علیهم و علی من فاز بهذا الیوم المبین و هذا الأمر المحکم المتین انتهى این خادم فانی از حق باقی سائل و آمل که جمیع منتسبین را از رحیق مختوم محروم نفرماید

ذکر شب ورود و حضور حضرات و بعضی از دوستان را فرموده بودند اینکلمة علیا از افق اعلی در این مقام اشراق فرمود قوله جلّ جلاله اللهم صلّ و سلّم علی صاحب البیت و ضیوفها و الذی حضر و زار و فاز و خدم و ذکر و سمع ثناء الله المهیمن القیوم انتهى الله الحمد اینکلمات عالیات شامل حال کل شد از صاحب بیت و ضیوف و آنکه حاضر شد و آنکه لوجه الله خدمت نمود و آنکه در برف توجه نمود جمیع فائز شدند و از بحر ذکر الهی قسمت بردند هنیئاً لهم و مخصوص مخدّره امّ حرم علیها بهاء الله لوح امنع اقدس نازل و همچنین مخصوص ورقه اخت جناب آقا میرزا محمود علیهما بهاء الله که در برف و برد توجه نمود آنه لا یضیع اجر المحسنین و اجر الحسنات

و اینکه ذکر جناب آقا میر علینقی علیه بهاء الله را فرمودند و همچنین ذکر خدمات ایشان دوستان الهی را اینفقره بعد از عرض در ساحت اقدس اینکلمات عالیات در جواب نازل قوله جلّ جلاله

هو الشاهد الخبیر

امروز جمیع دوستان الهی باید در امورات قبل تفکر نمایند و بر اثمار غیر جنیة اشجار کاذبه آگاه شوند که شاید از بعد باوهامات جدیده مبتلا نگردند حزب شیعه از اعلی المذاهب شمرده میشد از ادنی الأحزاب و اذلهم ظاهر گشت بعضی از اهل بیان که از انوار آفتاب حقیقت محرومند و از بحر دانائی ممنوع بر قدم آنقوم مثنی مینمایند مبشر حقیقی و سلطان واقعی آنوجود مبارکی که سالها در لیالی و ایام فرقه شیعه ذکرش مینمودند و ظهورش را آمل و لقائش را سائل بعد از ظهور کل بر قتلش فتوی دادند و بعذاب عظیم شهیدش نمودند آنحضرت بسیف کذب انگروه شهید شد هزار و دوست سینه بل ازید بترتیب عقاید و ذکر درایچ ایمان و ایقان مشغول بودند بالأخره نه آن عقاید ثمر بخشید و نه آن الفاظ را حاصلی مشهود چه که از صراط مستقیم محروم و در سبیل اوهام و ظنون سالک شرکاء متعدده از برای حقّ جلّ جلاله ترتیب دادند و خود را موحد میدانستند عاقبت آنفرقه باغیه آن بود که دیدید و شنیدید چه مقدار از نفوس را که از گمراهان میشمردند از جمله اهل سنّة و جماعت را حال از آفاق قلوب بعضی نور ایمان بشائی مشرق که مقبول واقع شدند و بلقا فائز گشتند در ابناء خلیل و وراثت کلیم تفکر نمایند چگونه از نار امر مشتعل شدند انظر ثم اذکر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی نريد ان نمنّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین انّ الفضل کله فی قبضة قدرته یؤتی و یمنع و هو الفضال الکریم

قلم اعلی امروز کل را باستقامت وصیت میفرماید چه که ناعقین بمکر مبین ظاهر و آشکار در اضلال ناس سعمیا نموده و مینمایند از قرار مذکور آثار اینظهور را جمع نموده اند حقّ بر اراده کل عالم و آگاه انا نوصی کلّ بالاستقامة الکبری علی شأن تحبیر بها افئدة الذین کفروا بالله ربّ العالمین

انا نذکر فی هذا المقام الذی سمیناه بالخلیل فی الکتاب یا خلیل ان استمع النداء من الأفق الأعلى ان ربک توجه الیک و ذکرک بما لا یعادلہ ما عند الأحزاب سبح بحمد ربک و ذکرک الناس بهذا الأمر الذی به نادت الأشياء الملک لله ربّ الأرباب ان احفظ عبادی من مفتریات اهل البیان الذین کفروا بالرحمن بما اتبعوا الظنون و الأوهام انهم ارادوا ان تفسدوا فی الأرض بعد اصلاحها الا انهم من المعتدین فی الزبر و الألواح کن راعی اغنام الله ثم احفظها من ذیاب الأرض الذین نقضوا میثاق الله و عهده و عملوا ما ناح به سکان الفردوس الأعلى و الذین یطوفون عرش ربک فی العشی و الاشرار

و نذکر عبدالرحیم الذی آمن بالله فی المبدء و المآب انا ذکرناه من قبل و نذکره هذا الحین بآیات تطیر بها الجبال ذکر العباد بما ینبغی لایام ربک ثم احفظهم من الذین کفروا بالمعاد

و نذکر اولیائی و احبائی هناک و ضواحبها و نبشرهم بذکر الله العلیم الحکیم یا احباء الرحمن نوصیکم بما یرتفع به مقاماتکم و انا الناصح الخبیر ایّاکم ان یمنعکم امر عن هذا الأمر او یحجبکم ذکر عن هذا النبأ العظیم انتم فی بیوتکم و یدکرکم القلم الأعلى فی هذا السّجن المحکم المتین و نذکر امائی و نبشرهم بعنایتی و رحمتی الّتی سبقت من فی السموات و الأرضین

یا علی قبل نقی قد ذکرک اسمی علیه بهائی ذکرناک بهذا اللّوح المبین ان اشکر الله بهذا الفضل الأعظم و قل لک الحمد یا مقصود العارفين البهّاء علی الخلیل و علی اباک و علیک و علی ضلعک و علی احبّائی الذّین تمسّکوا بحبلی المتین انتهى

له الحمد و المنّة در جمیع احوال و احیان اولیا و احبّاء خود را با کالیل ذکر و بیان مزین فرموده کلمه الله باقی و ما فیها باقی این خادم فانی خدمت اولیا و احبّاء طرّاً تکبیر عرض مینماید و از برای کل استقامت میطلبد جناب حبیب مکرم آقا میر عبدالرحیم علیه بهّاء الله در این نامه دو بار بذکر قلم اعلی فائز شدند هنیئاً له و لمن فاز بکأس العنایة و الألفاف در این حین که چهار ساعت و نیم از یوم چهارشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانی گذشته بوکالت آنحیوب عمل شد آنچه که محبوب عالم است و کلمه قبول نازل هنیئاً لحضرتکم و لهذا العبد

مطلب دیگر در دستخطّ انور که بجناب محبوب مکرم حاجی سیّد جواد علیه بهّاء الله و عنایتہ مرقوم داشته بودند ذکر جناب حاجی عبدالحسین و جناب آقا عبدالحمید و ابن ایشان و همچنین جناب آقا محمد بیک و سایر دوستان که مع آنحضرت یازده نفس بوده فرموده بودند اینراتب در ساحت اقدس عرض شد مخصوص جناب حاجی عبدالحسین و جناب آقا عبدالحمید علیهما بهّاء الله دو لوح بدیع منیع نازل ارسال شد برسانند و همچنین مخصوص جناب بیک و سایرین از لسان عظمت جاری شد آنچه که هیچ لسانی از عهده ذکر و وصف برنیاید و لکن از تعجیلی که اینعبد داشته که پاکت را زود ارسال دارد باقلّ واجب عمل شد حسب الأمر ایشانرا از قبل حقّ تکبیر برسانید و بعنایات لانهایات مقصود عالمیان مسرور دارید اینعبد هم خدمت هریک سلام و ثنا و تکبیر میرساند

اینکه مرقوم فرموده بودند حین تحریر دستخط در بیت جنابان آقا محمد هاشم و آقا محمد حسین علیهما بهّاء الله اخون مرفوعین علیهما بهّاء الله و رحمتہ تشریف داشتند و همچنین ذکر جناب آقا محمد و آقا نصرالله و استاد علی همسایه ایشانرا فرموده بودند این تفصیل تلقاء باب مالک الرقاب عرض شد هذا ما نزل لهم من سماء عنایة ربنا المشفق الکریم قوله جلّت عظمتہ

بسمی النّاطق فی ملکوت البیان

کتاب انزله الرحمن للذّین اقبلوا الی شطر القدس فی یوم فیہ انصعق کلّ عالم و اضطرب کلّ فقیه و تزلزل کلّ حکیم الا من شاء الله ربّ العالمین یا هاشم قد ذکرک اسمی ذکرناک ان ربّک هو الفضال الکریم هذا یوم فیہ یطوف الملائ الأعلی عرش ربّک مولی الوری و لکنّ الذّین ینسبون انفسهم الی البیان انهم من الغافلین متمسّکین بالخوار معرضین عن الله العزیز الحکیم یا حسین ان استمع نداء الحسین انه یدکرک و یوصیک بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر العظیم سوف یأتیکم ناعق بکتاب الفجار الا انه من الملحدین فی کتاب الله العزیز الحمید و یدعوکم الی العجل و یرید ان یطفئ نور الله بما عنده من همزات الشّیاطین طوی للذّین کانا معنا الی ان صعد ارواحهما الی الله العزیز الجمیل البهّاء من لدنا علیهما و علیکما و علی الذّین شربوا ریحق الاستقامة من یدادی عنایة ربهم الفیاض الکریم

و نذکر محمد الذّی ذکره اسمی و نبشّره بعنایتی و رحمتی الّتی سبقت الاشیاء و بذکری الذّی خضعت له الأذکار یا نصرالله ان استمع نداء المظلوم ثمّ استقم علی الأمر علی شأن لا یزّلك نعاق کلّ ناعق کفر بالله ربّ الأرباب تمسّک بالعروة الوثقی و تشبّث بذیل عنایة ربّک مالک الایجاد

و نذكر العليّ الذي كان حاضراً لدى اسمي بذكر لا يعتريه النّفاذ يا علي ان افرح بهذا الذّكر الأعظم ثم اشكر ربّك مولی الأنام انا نوصيكم و احبائي هناك بالاستقامة على امر ربكم العزيز الوهاب من يذكّر هذا اليوم غیری انّه من الفجار فی الزّبر و الألواح هذا يوم الله لا يذكّر فيه الا هو يشهد بذلك اولو الألباب و عن ورائهم منزل الآيات انتهى صدهزار بار باید شکر نمود در هر آنی ولكن چه فایده که انسان اینقدرها مستطیع نه ضعیفیم حقیریم کجا میتوانیم از اداء شکر این عنایات متواتره و فضلهای متتابعه برائیم له الحمد و المنّة جمیع نفوس مذکوره که از قلم آنحضرت جاری فائز شدند بآنچه که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که احبای خود را بر استقامت مؤید فرماید تا از گفته‌های هامزین و اشارات لامزین از مقصود عالم محروم نمانند

و اینکه ذکر جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله را فرموده بودند و همچنین نفوسیکه با ایشان از بادغان آمده اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض و بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

بسمی المهیمن علی الأسماء

یا محمود علیک بهائی فائز شدی بامریکه اکثر اهل عالم بعد از طلب و آمال از او محرومند از قبل و بعد بذکری فائز شدی که از برای او مثل و شبه نبوده و نیست کتب الهی کلّها شاهد و گواه بوده و هست از حقّ میطلبیم ترا بنار محبتش مشتعّل فرماید اشتعالیکه خاموشی نپذیرد یا محمود ترا بآنچه سبب ارتفاع امر الله است وصیت مینمائیم امروز باید اهل سفینه حرا بشأنی مستقیم باشند که ناعقین و ملحدین و مشرکین از اهل بیان قادر بر تکلم نباشند یا محمود هزار و دویست سنه اهل عمام و منابر ناس را گمراه نمودند و حاصل اعمالشان آن شد که بر محبوب عالم فتوی دادند و شهیدش نمودند و حال مجدّد آن نفوس اراده ترویج اوهمات قبل را نموده‌اند در اقلّ من آن تفکر نموده‌اند که حاصل آنخزب که خود را اعلیّ الأحزاب میشمردند چه بوده فاعتبروا یا اولی الأبصار طوبی لک و لمن وفی بعهده و ما نقض میثاق الله ربّ العالمین کبر من قبلی علی محمد قبل صادق و بشّره بذکری آیاه فی هذا المقام الرّفع لیطمئنّ قلبه بذکر الله العلیّ العظیم و نذکر من سمی بحسن و نوصیه بما وصّیناه به اولیائنا من قبل و انا النّاصح العلیم کن ناطقاً بثنائی و متوجّهاً الی افقی و مستقیماً علی امری الذّی به ارتعدت فرائض المشرکین و نذکر من سمی بغلام قبل علی بذکر یجد منه المخلصون عرف عنایة ربهم الکریم ایّاک ان یمنعک اهل البیان عن الرّحمن الذّین کفروا بالله مالک یوم الدّین یا محمود ذکّر احبائی من قبلی ثم اقرأ علیهم آیات ربّک و انا الامر الحکیم البهاء علیک و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم انتهى له الحمد و المنّة نفوس مذکوره را ذکر فرمودند بآیاتیکه معادله نمینماید بآن ما عند الأمم اینعبد هم خدمت جناب آقا میرزا محمود علیه بهاء الله و سایرین تکبیر میرساند و از حقّ جلّ جلاله از برای هریک استقامت میطلبد انّه هو الفیاض الکریم

و اینکه مرقوم فرمودند جناب آقا محمد تقی ابن جناب آقا محمد ابراهیم عرب و آقا محمد علی و داراب بیک علیهم بهاء الله از مرغ تشریف آورده‌اند این تفصیل امام وجه مالک وجود بشرف اصغا فائز قوله جلّ بیانه

بسمی الذّاکر العلیم

یا محمد تقی علی ایّک و علیک بهائی انّه نطق بذکری قبل اظهاری و عرف قبل ابرازی انّه ممّن کان مذکور فی کتّاب ربّک المهیمن القیوم الیوم کل را باستقامت امر مینمائیم چه که ارباب عمام مجدّد احداث شده‌اند و عباد را بموهومات

قبل از حقّ منع مینماید طوبی لأخیک الذی فاز بلقائى و خدمتی و الطّواف فی حوی و اصغّاء ندائی و القیام لدى بابی و النظر الى وجهی علیه بهاء الله و بهاء اولیائه و اصفیائه من الأوّل الذی لا أوّل له الى الآخر الذی لا تحصیه الأفئدة و العقول و نذكر محمد قبل علی الذی ذکره اسمی فی کتابه و نبشّره برحمتی الّتی سبقت من فی السّموات و الأرض و بفضلی الذی احاط الوجود من الغیب و الشّهود خذ کتاب الله بقوّة من عنده أنّه ینصرک فضلاً من لدنه و هو المقتدر علی ما اراد بقوله کن فیکون

و هذا ما نزل لجناب داراب بیک علیه بهاء الله

هو العلیّ العظیم

یا داراب ان استمع ما ینادیک به ربّک الوهّاب فی المآب أنّه ظهر و اظهر ما اراد و هو المقتدر المختار یا داراب نوصیک بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر الذی به زلّت الأقدام قد ارتفع النعیق و ظهر ما فی القلوب انّ ربّک هو العزیز العلام کن فی الأمر علی شأن لا تحجّبک حجبات البشر و لا سبّحات الذین کفروا و اعرضوا عن المنظر الأكبر انّ ربّک هو النّاصح البصّار البهاء علیک و علی الذین ما منعهم ضوضاء العلّماء عن الله ربّ الأرباب انتهى ما من اسم الا و قد فاز بآیات ربّه و ما من عبد الا و قد نزل له ما یقرّبه الی الله مولاه هنیئاً لهم و مرثیاً و از حقّ جلّ جلاله در کلّ حین سائل و أمل که کل را بر استقامت موفق فرماید چه که ما کرین و سارقین بر مراصد منتظر بوده و هستند اعاذنا الله و ایاکم یا معشر المقرّبین

اینکه ذکر جناب آقا محمد علی مخملباف ابن جناب آقا حسن و ابناء و اهلشان علیهم بهاء الله و همچنین لوجه الله ضمانت لوح مخصوص ایشان فرمودند این تفصیل در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد و یک لوح بدیع منیع از سماء عنایت فیاض حقیقی مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاء الله بأنّ فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و همچنین ذکر جناب آقا حسین مخملباف عمّ جناب مذکور و آنطایفه کلّهم که مرقوم فرموده بودند قریب سی نفس میشوند جمیع در محضر الهی مذکور آمدند و بعنایت الله فائز گشتند بعد از عرض اینکلمات عالیات از سماء فضل نازل قوله جلّ جلاله

یا اسمی علیک بهائی از قبل مظلوم جمیع آنطایفه را ذکر نما و بعنایت و رحمت و شفقت حقّ جلّ جلاله بشارت ده یعنی آنانکه از کوثر حیوان آشامیده اند و بحیوة تازه فائز شده اند از حقّ میطلبیم آن نفوس را از شرّ معرضین بیان حفظ فرماید و جمیع را بر امرش ثابت و مستقیم دارد نسأله تعالی بأنّ یقدّر لهم ما قدّر لأصفیائه من قلبه الأعلی و یرزقهم خیر ما نزل فی کتابه و یقرّبهم الیه فی کلّ الأحوال أنّه هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام من فی السّموات و الأرضین انتهى اینفانی خدمت جمیع تکبیر میرساند و عرض مینماید ناعقین و خادعین و کاذبین بوده و هستند خود را از شرّ نفوس مشرکه باسم حقّ جلّ جلاله محفوظ دارید در الواح قبل کل را اخبار فرموده اند بضوضاء ناعقین و ملحدین انّ ربّنا الرحمن لهو العلیم الخبیر

اینکه ذکر جناب آقا رمضانعلی الذی صعد الی الله و اخوی ایشان جناب آقا شعبانعلی علیهما بهاء الله فرموده بودند و ذکر وجه یکتومان که اراده ضیافت محبوب فؤاد جناب حاجی میرزا حیدر علی و نفوس اخری علیهم بهاء الله را داشته الله الحمد و الثناء قبل از ظهور عمل نیت مرحوم بطراز قبول فائز هذا ما نزل من ملکوت البیان فی هذا المقام قوله جلّ و عزّ

یا اسمی یا ایها الناظر الی وجهی انا ذکرنا الذی صعد الی الله بذکر جعله الله له مائدة المعانی و فاکهة البیان و به قدر له ما لا رأت عین و لا سمعت اذن بشر بذلك اخاه الذی سَمی بشعبان قبل علی لیشرک ربّه الغفور الکریم یا اسمی عنایت حقّ در باره این دو واضح و مشهود است چه که تأیید فرمود و بقاء فائز نمود قد اسمعهما ندائه و کشف لهما جماله از حقّ بطلب مؤیّد شود بر حفظ ایتمقام انتهى اینعبد هم انشاءالله مؤیّد میشود بر اجراء ضیافت که اراده داشته‌اند بعمل آرند یشهد الخادم انهما فازا بعناية ربهما العلیّ العظیم

و اینکه مرقوم داشتند در بیت جناب آقا شکرالله داماد جناب آقا غلامعلی علیه بهاء الله تشریف داشته‌اند و ذکر جمعی را در آنخل از ذکور و اناث فرموده بودند اینفقره در ساحت امنع اقدس عرض هذا ما نزل من جبروت علم ربنا العليم الحکیم قوله تبارک و تعالی یا احبائى استمعوا ندائى من شطر سجنى ثم انصروا المظلوم بالأعمال الطيبة و الأخلاق المرضية و الاستقامة البديعة المنیعة انه يأمرکم بما ینفعکم و هو الصادق الأمين

یا شکرالله ذکرک اسمی ذکرناک فضلاً من عندی و انا الفضال الکریم تمسک بجبل الاستقامة معرضاً عن الذین کفروا بالله رب العالمین البهاء علیک و علی ضلعک و امّا من لدن علیم خبیر یا غلامعلی انا ذکرناک من قبل بآیات لا یعادها شیء من الأشياء یشهد بذلك ربک العليم کن قائماً علی خدمة الأمر و ناطقاً بثناء مولاک و ناظراً الی افقه المنیر قد فزت ببیان الرحمن هذه مرة بعد مرة یشهد بذلك قلبی الأعلی و هو نفسی المهيمنة علی من فی السموات و الأرضین و نذکر ابنک مهدی و نبشره بعنایتی و فضلی و نوصیه بما ینبغی لأمری العزیز البدیع

یا مهدی علیک و علی اییک بهائی و رحمتی و فضلی الذی لا تعادله ثروة الملوك و السلاطین

یا شیخ قبل حسن انت من الذین فازوا بذکری من قبل و من بعد و بآیات الّتی یجد منها المقرّبون عرف قیصی البدیع سمعنا ذکرک من کتاب اسمی ذکرناک فی هذا المقام البعید کبر من قبلی علی وجوه احبائى انا نوصیهم بالاستقامة الکبری علی هذا الأمر العظیم و نذکر محمد قبل طاهر لیفرح بعناية ربّه و یكون من الشاکرین طوبی لک و لأولیائى الذین شربوا کوثر الاستقامة من ایادی عطاء ربهم الباذل الکریم طوبی لأیک الذی فاز بالبحر الحیوان اذ فاض من لدن فیاض مشفق معطى عزیز حکیم البهاء علیک و علی من معک من کلّ ذکر و انثی الذین اعترفوا بما اعترف به الله مالک هذا الیوم البدیع انتهى

اینعبد فانی خدمت جناب آقا غلامعلی علیه بهاء الله و نفوس مذکوره تکبیر و سلام میرساند و جمیع را باستقامت وصیت مینماید چه که مشرکین اهل بیان باوهامات اهل فرقان در اضلال اولیاء رحمن بتمام نفاق کوشیده و میکوشند امروز استقامت از اعظم اعمال لدی الغنی المتعال مذکور طوبی لمن فاز بها و شرب رحیقها و ویل لمن انکرها و ترکها

اینکه ذکر جناب آقا محمد علی اخ جناب آقا محمد رضای مهاجر علیهما بهاء الله را فرمودند و مناجات ایشانرا بساحت اقدس ارسال داشتند اینفانی این تفصیل را عرض نمود و مناجات ایشان حسب الأمر تلقاء وجه بشرف اصغا فائز قوله جلّ جلاله

هو السّامع من الأفق الأعلی

یا محمد علی ذکرک اسمی و ارسل مناجاتک و ما نادیت به الله رب العالمین و قرأه العبد الحاضر لدى الوجه سمعنا و اجبنا بهذا اللوح المبین قل

سبحانک یا ربی الرحمن اسألك بأمواج بحر بیانک و شئونات ربوبیتک و ظهورات الوهیتک و الأسرار الّتی كانت مكنونة فی علمک بأن تؤیّدنی علی خدمتک و خدمة اولیائک و توقّفنی علی اداء حقوقک الّتی انزلته فی کتابک

ای ربّ انا الّذی اقبلت الی افقک الأعلى و تشبّثت بذیل عطائک یا مولی الوری و مالک ملکوت الأسماء اسألك ان لا تخیّنی عمّا عندک و لا تمنعنی عمّا کتبه لأصفیائک

اسألك یا اله الأسماء و فاطر السّماء ایّدنی علی الاستقامة علی امرک علی شأن لا تحجّبنی زخارف الدّنیاء و لا تمنعنی ضوضاء الأشقیاء الّذین قاموا علی اضلال خلقک فی ایّامک ثمّ قدر لی یا مقصودی خیر الآخرة و الأولى انّک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم انتهى

له الحمد و المنة قد انزل لمن ذکره حضرتکم ما لا یعادلّه شیء من الأشياء یشهد بذلك ربّنا فاطر السّماء و در اثناء تنزیل لسان عظمت باینکلمه علیا ناطق قوله تعالی یا اسمی نفوس مقبله بکمال محبّت و اشتعال ظاهر و حقّ بنفسه شاهد و گواه انه یسمع و یری و هو السّميع البصیر و از حقّ بخواید موقّق شوند بر اعمالیکه در کتاب الهی از قلم اعلی مذکور و مسطور یا اسمی انشاء الله کل مؤیّد شوند بر اداء حقوق اگرچه این حقوق مخصوصست بحقّ و لکن آنجناب میدانند چه مقدار از نفوس الیوم در اطراف بخدمت امر مشغولند و بر حسب ظاهر اموراتشان معوّق چون امور من عند الله باسباب معلّق شده لذا حکم اداء حقوق از سماء مشیّت نازل و خیر اینعمل بعاملین راجع انتهى اینفانیهم از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که دوستان خود را موقّق فرماید بر اعمالیکه لدى الله باقی و محفوظست

اینکه ذکر جناب میرزا عباس علیه بهاء الله که از منتسبین اینفانی محسوبند فرموده بودند و همچنین مراتب محبّت و مودّت ایشانرا باینفانی اگرچه الیوم نسبتها مقطوع و سبیل ممنوع و طرق مسدود است و لکن چون رحمت مقصود عالمیان سبقت گرفته لذا این ثلّه ضعیف از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید و بکمال عجز و ابتهال معروض میدارد که جناب ایشان یعنی آقا میرزا عباس را تأیید فرماید بر آنچه سزاوار است و ایشانرا از نفوس ثابته راسخه مستقیمه در کتاب از قلم اعلی ذکر فرماید باری ذکرشان در ساحت اقدس بشرف اصغا فائز قوله تبارک و تعالی

هو الشّاهد الخبیر

یا عباس در قرون اولی تفکر کن در اعصار قبل آنچه واقع شده نظر نما تا سبیل مستقیم را بیابی و صراط حقّ را بشناسی در ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزئون تفرّس نما لعمری اگر متوقّفین و معرضین و منکرین در این یک آیه مذکوره تفکر نمایند کل بحقّ راجع میشوند و اعراض و اعتراض علمای ارض را دلیل بر حقیّت من ینادی الیوم میشمردند از حقّ میطلبیم ترا تأیید فرماید و از انوار وجه محروم نماید تا فائز شوی بآنچه که جمیع کتب و رسل بر آن گواهی داده‌اند و از حقّ لقایش را طلبیده‌اند یا عباس اسمع ندائی قل الله ثمّ درهم فی خوضهم یلعبون ان اقبل بوجه منیر الی افق الله العلیم الخبیر انتهى صد هزار شکر معبود حقیقی را و فیاض حقیقی را که در هر حین عطا میفرماید آنچه که السن عالم از ذکرش عاجز و قاصر است امید چنانکه ایشان بآیات الهی فائز شوند و از بحر بیان رحمن بیاشامند و از عرف کلمات منزل آیات

قسمت برند انّ ربّنا الرحمن هو السّامع المحیب اینفانی خدمت ایشان سلام و تکبیر میرساند و در هر آن از برای ایشان و جمیع منتسبین تأیید میطلبد انّه علی کلّشیء قدیر و بالاجابة جدیر

ذکر جناب آقا سیّد اسمعیل علیه بهاء الله را فرموده بودند شمس اذن مجدّد از افق فضل مشرق هنیئاً له اینکه ذکر جناب آقا علی اکبر ارسی دوز و جناب آقا محمد ابراهیم دستمال باف علیهما بهاء الله را فرموده بودند که از اختیارند و هم متدین و مراقب خدمات احباب اینفقرات بتمامها در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد هذا ما نزل فی الجواب من لدن ربّنا العزیز الوهاب قوله جلّ و عزّ

هو الناطق بالحقّ

یا اسمی مهدی علیک بهائی و عنایتی اینمظلوم در ایّامی بر امر قیام نمود که ظلمت عالم را فرا گرفته بود نفسی از نفسی برغیّامد ملحدین و منافقین در خلف حجبات مستور و دیار بدیار بحفظ جان مشغول بعد از بلایای لاتحصى و تنزیل آیات فی الصّباح و المساء چون فی الجمله عالم بانوار شمس ظهور منور و فی الجمله اطمینان حاصل از خلف حجاب بیرون آمدند و ملابازی جدید برپا نمودند آنجناب میدانند که قلم اعلی در لیالی و ایّام بچه رحمت مشغول و بچه عنایت ظاهر معذلک چند نفس از اهل کاف و راء که لایق ذکر نبوده و نیستند علم فساد برافراخته اند و بکمال مکر و خدعه ظاهر گشته اند بعضی بمنبر و برخی بنامه و پیام در اضلال عباد میکوشند قاتلهم الله همان دستگاه اهل فرقان بمیان آمده یعنی موهومات حزب شیعه میگویند آنچه را که نزد حقّ جلّ جلاله نبوده و نیست ظهوری را که از اوّل امر تا حین مابین اعدا بکمال اقتدار ظاهر یک آن خود را ستر نموده و معادل آنچه از جمیع انبیا و مرسلین ظاهر از او ظاهر و نازل گشته و جمیع اخبار بعد از قبل از قلم اعلی بکمال تصریح در الواح نازل معذلک گفته اند آنچه که گفته نشده و از هیچ مشرکی ظاهر نگشته عجب در اینکه نفوس مقبله هم بعضی توقّف و بعضی اعراض نموده اند سبحان الله بطنین ذباب مشغول گشته اند و از ربّ الأرباب غافل افّ لهم ولّذین کفروا بالله و آیاته و جادلوا بیرهانه در اینصورت قلم اعلی اقبال بذکر در این ایّام نداشته و ندارد در عراق در رؤیا دیده شد آنچه که هر ذی بصر و فؤادی گریسته و ناله نموده اگر در نظر آنجناب باشد آگاه میشوند بر آنچه واقع شده و میشود باری از حقّ میطلبیم نفوسی را که ذکر نمودی آگاه فرماید و بطراز استقامت مزین دارد

یا اسمی نذکر فی هذا المقام من ذکرته و سمّی بعلی اکبر لیتمسک بحبل عناية ربّه مالک القدر و یشهد بما شهد الله انّه لا اله الا هو العلیم الحکیم یا علی قبل اکبر اذا وجدت نفحات بیان ربّک قم و قل

یا الهی و سیّدی و مقصودی اسألك بافق ظهورک و بحر علمک و شمس امرک بأن تؤیّدنی علی الاستقامة علی حبّک ای ربّ ترى مظاهر الأوهام يدعون عبادک الى الأصنام اسألك بأن تحفظنی و عبادک عن شرّ هؤلاء ثمّ اطردهم بقدرتک یا مالک الأسماء و المهیمن علی الأرض و السّماء ای ربّ انا المسکین اردت فضلک و رحمتک و کرمک لا تخیّبی یا الهی عمّا انزلته فی کتابک من بدائع نعمک و آلائک انک انت المقتدر علی ما تشاء و انک انت القویّ الغالب القدیر

و نذکر من سَمی بجمّد ابراهیم و نبشّره برحمتی الّتی سبقت من فی السّموات و الأرضین یا ابراهیم آفلین دعوی هستی نموده‌اند و گمراهان دعوی ایمان از حقّ بطلب ترا حفظ فرماید امر بسیار عظیمست در پیشوایان خلق تفکّر نما که کل فتوی دادند و محبوب عالم را شهید نمودند حال در بیان همان نفوس ظاهر شده‌اند ابواب ظنون و اوهام را گشوده‌اند انا نسال الله بأن یحفظک و الذّین آمنوا من شرّ هؤلاء و یرزقکم خیر الآخرة و الأولى و یسقیکم کوثر الاستقامة من ایدای الفضل و العطاء انه هو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو النّاصح الامر العلیم الحکیم انتهى

و اینکه ذکر جناب آقا سید حسین صباغ و استاد نصرالله نجار علیهما بهاء الله فرمودند بعد از عرض در ساحت کبریا این آیات کبری از مصدر اسماء نازل قوله جلّ جلاله

انا المظلوم الغریب

یا سید قبل حسین مطلع وحی و مشرق ظهور و مصدر امر و مظهر نفس الهی ظاهر مع ذلک ناس جاهل غافل لآلی بحر علم الهی عالم را پر نموده معادل کتب قبل و بعد از سماء مشیت نازل بل ازید مع ذلک مشرکین در ردّش ساعی و جاهد باید بحقّ پناه برد چه که دوباره اهل عمام بفکر منبر و محراب افتاده‌اند و در اضلال خلق کوتاهی نموده و نینمایند از حقّ حفظ طلب نمائید و استقامت بجوایید تا از شرّ نفوس ملحده مشرک محفوظ مانید انا نوصیک بالعمل الخالص و بما انزلناه فی الزّبر و الألواح حمد کن محبوب عالم را که ترا مؤید فرمود و آگاه نمود ان ربّک هو الفضال الکریم قل الحمد لله ربّ العالمین

و هذا ما نزل لجناب استاد نصرالله علیه بهاء الله

هو القریب المجیب

سبحان الذّی ظهر و اظهر ما کان مکنوناً فی العلم و مسطوراً فی کتب الله ربّ العالمین انه اتی برایات الآیات و قام علی الأمر علی شأن لم تمنعه شبهات العلماء و لا سطوة الغافلین یا نصرالله حقّ ترا نصرت نمود چه که بعرفان مشرق وحی و مطلع الهام مؤید شدی در ایامیکه کل غافل و محجوب مشاهده شدند الا من شاء الله ربّ العالمین قدر این مقام را بدان و از معرضین اهل بیان حفظش نما لعمر الله انهم فی جهل مبین از حقّ استقامت طلب نما بشأنیکه مشرکین قادر بر تکلم نباشند کذلک یا امرک من عنده کتاب مبین انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا رجبعلی مخمل‌باف و آقا حسین ظهیر و آقا میرزا محمد آئینه‌ساز علیهم بهاء الله را فرموده بودند اینفقره در ساحت احدیه عرض شد هذا ما نزل لهم من ملکوت بیان ربنا الرحمن

هو المهیمن علی ما یشاء و یحکم کیف یشاء

یا احبائی علیکم بهائی انّ المظلوم یدکرکم فی سجنه و یشّرکم بعنایة الله مولی الأنام یا رجب قبل علی ذکرک اسمی ذکرناک و انه سراج الله یمشی امام وجهک فی عوالم ربّک العزیز المنان هذا مقام جعله الله معلّقاً بالاستقامة الکبری طوبی لمن فاز بها و ویل لكلّ غافل مرتاب تمسک بجبل الأمر و تشبّث بذیل عنایة ربّک مالک الرقاب یا حسین یدکرک المظلوم اذ احاطته الأحران من الذّین کفروا بالله مالک الأدیان انّ القوم آمنوا بالغدیر و کفروا بالبحر الأعظم کذلک سوّلت لهم

انفسهم الا انهم من اصحاب النار يدعون الايمان يرسل الله من قبل و بالذی اتی بالحق و انکروا مرسلهم و مظهرهم و مؤیدهم ان ربک هو العزيز العلام ان احفظ نفسك من الذین آمنوا بأهوائهم و کفروا بالله ربّ الأرباب

یا محمد استمع ما خلقت الآذان لاصغائه ثم اشکر ربک مالک يوم المآب انا انزلنا الآيات و عن ورائها اظهرنا البينات و عن ورائها کما ظاهراً باهراً امام وجوه الأعداء فی ایام فيها ارتعدت فرائص اهل البیان الذین خرجوا اليوم من خلف الحجاب قل اتقوا الله یا قوم کسروا صنم الوهم ثم اقبلوا بوجوه نوراء الى الأفق الأعلى المقام الذی ینادی فيه سدرۃ المنتهی الملک لله المقتدر العزيز المختار انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا محمد تقی صباغ و آقا محمد علی شبیه خوان من قصر علیهما بهاء الرحمن فرموده بودند بعد از عرض تلقاء وجه این آیات از ملکوت علم الهی نازل قوله جلّ جلاله

یا محمد قبل تقی گوش را از اصغاء نداء معرضین مقدّس دار و لسان را از ذکر منکرین منزّه ابصار از برای منظر اکبر خلق شده و آذان از برای اصغاء نداء مالک قدر یا صباغ انشاء الله بصیغة الله فائز شوی و لونی جز آن نخواهی برستی میگویم دزدان در کینگهان که شاید ضعیفی را بیابند و بریابند باسم حقّ خود را حفظ نما اینست وصیّت مظلوم ترا و دوستان را سمعنا ذکرک ذکرناک ان احمد ربک بهذا الفضل المبين

یا محمد قبل علی جمیع انبیا و رسل ناس را باین ظهور بشارت داده اند و باین یوم اخبار نموده اند قد زین الله کتبه و زبره بهذا الاسم الذی اذ ظهر سقطت الأصنام و تحت آثار الذین کفروا بالله ربّ العالمین حال جمعی خراطین پرهای ایمان مقبلین را بطین اوهام میآلایند و از پرواز منع مینمایند ان احفظ جناحک من طین هؤلاء ثم اشکر ربک الکریم انه ایدک و عرفک و اسمعک و هداک الى صراطه المستقیم

یا اسمی علیک بهائی و عنایتی جمیع احبای حقّ را تکبیر برسان و ایشانرا بشارت ده بعنایت حقّ جلّ جلاله و وصیّت نما بآنچه که سبب خلاص و نجاح است جمیع اصحاب آن ارض مظلوم بوده و هستند در سبیل حقّ حمل بلایا نموده اند اعمال کل نزد حقّ مذکور و از قلم اعلی در صحیفه حرا مسطور اجر نفسی بقدر خردل ضایع نشده و نمیشود از حقّ میطلبیم کل را بر استقامت مؤید فرماید انه علی کلّ شیء قدیر البهاء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علی الذین ما منعهم الضوضاء عن الأفق الأعلى قاموا و قالوا الله ربنا و ربّ العرش العظیم الحمد لله العظیم الحکیم انتهى اینفانیهم خدمت آنحضرت و دوستان الهی که از رحیق محتوم آشامیده اند و بحضرت قیوم متمسکند تکبیر و سلام معروض میدارد و فنا و نیستی خود را اظهار مینماید و از آنحضرت میطلبد که او را فراموش نفرماید و از حقّ تأیید بخواهند که شاید از خدمت بازمانم و برضای حقّ فائز گردم الذکر و الثناء و البهاء و النور علی حضرتکم و علی من معکم و علی من یحبکم و یسمع قولکم

در این مقام ذکر حبیب روحانی جناب شیخ ابوالقاسم و جناب آقا میرزا آقا علیهما بهاء الله بخاطر آمد علم الله ذکر این دو حبیب که در دستخطّ مبارک بود بعد از عرض لیلأ و نهارأ از لسان مقصود ذکرشان جاری هنیئاً لهما و مرئیأ لهما اینفانیهم معلوم در آتی غفلت ننموده گویا امام وجه خادم موجودند از حقّ جلّ جلاله سائل و آملم بأن یؤیدهما علی ما تقرّر

به عینہما و یفرح به قلبہما و یرفع مقامہما و یرفع ما قدر لہما انشاء اللہ موفق باشند بر آنچه سزاوار است و باتفاق و اتحاد
حقیقی فائز شوند ان ربنا الرحمن هو السامع المجیب و هو القریب الرقیب